

فمینیست‌های نامرئی؟ رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان جوان

جولیا شوستر^۱ / برگردان: نوشین صفائیان

چکیده

با توجه به بینش برآمده از ادبیات «موج سوم [فمینیسم]»، این مقاله به بررسی تأثیر فعالیت آنلاین زنان جوان بر میزان مشارکت فمینیستی در نیوزلند می‌پردازد. به پشتوانه ۴۰ مصاحبه با زنان در هر سنی که درگیر مسائل سیاسی زنان در نیوزلند هستند، در روش‌های مشارکت این زنان در فعالیت‌های فمینیستی من متوجه شکاف نسلی^۲ شدم و استدلال می‌کنم که فعالیت آنلاین یکی از اشکال اصلی مشارکت برای بسیاری از زنان جوان است. از آنجا که فعالیت آنلاین فقط برای افرادی که از آن استفاده می‌کنند قابل مشاهده است، این شکل از مشارکت بسیاری از فعالیت‌های زنان جوان را از عموم مردم و زنان فعال سیاسی نسل‌های قبل‌تر پنهان می‌کند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان سن بالاتر من از نیروی سیاسی‌ای که زنان جوان در جوامع آنلاین مانند وبلاگ‌ها و فیس‌بوک، صرف می‌کنند، آگاهی نداشتند.

از این رو این زنان ابراز نگرانی کردند که پس از بازنشستگی‌شان، زنان جوان زیادی نیستند که جایگاه آنان را پر کنند. با این حال، در پژوهش من، زنان جوان از رسانه‌های جدید برای برقراری ارتباط و حمایت از یکدیگر، گفتگوهای سیاسی و سازماندهی رویدادها در «دنیای واقعی» استفاده کرده‌اند. زنان جوان رسانه‌های جدید را به دلیل انعطاف‌پذیری، دسترسی و توانایی دستیابی به گروه‌های زیادی از مردم، ارزشمند می‌شمارند. علاوه بر این، آن‌ها از استفاده آسان و کم هزینه آن هم استقبال می‌کنند. در این مقاله نتیجه گرفته می‌شود که کار سیاسی آنلاین فرصت‌های زیادی را برای مشارکت فمینیستی فراهم می‌کند، اما این جریان، افرادی را که از رسانه‌های جدید استفاده نمی‌کنند، حذف می‌کند، و بنابراین به افزایش شکاف نسلی در زنانی که در میدان فمینیسم مشارکت می‌کنند، می‌انجامد.

واژگان کلیدی: نسل‌های فمینیستی، فعالیت آنلاین، نیوزلند، موج سوم فمینیسم، جنبش زنان

^۱ Julia Schuster

^۲ generational divide

معمولاً گفته می‌شود که زنان جوان به ندرت به فعالیتهای سیاسی سنتی می‌پردازند^۳ و از فمینیسم فاصله می‌گیرند^۴. چنین انتقادی غالباً از سوی فمینیست‌های نسل‌های گذشته صورت می‌گیرد که نسبت به این که زنان جوان فاقد تعهد به فمینیسم هستند، از دستاوردهای نسل‌های گذشته قدردانی و پس از بازنشستگی جای آنان را پر نمی‌کنند، ابراز نگرانی می‌کنند.

با این حال، ادبیات بین‌المللی «موج سوم» فمینیستی بیش از یک دهه استدلال کرده است که چهره فمینیسم کمرنگ نمی‌شود بلکه تغییر می‌کند.^۵ این مقاله به یک جنبه خاص از چنین تغییری پرداخته است: این تحقیق بررسی می‌کند که چگونه شکل نسبتاً جدید فعالیت آنلاین بر رابطه بین نسل‌های فمینیست تأثیر می‌گذارد، و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا به اصطلاح ناپدید شدن فمینیست‌های جوان لاقفل تا حدی به این تغییر از صورت‌ها و روش‌های آنلاین به آنلاین در فعالیتهای فمینیستی است یا خیر. در مطالعه موردی نیوزلند، من استدلال می‌کنم که تعداد زیادی از زنان جوان وجود دارند که به طور فعال در کارها و فعالیتهای فمینیستی شرکت می‌کنند. با این حال، بسیاری از آنها فعالیت آنلاین را به‌عنوان شکل اصلی مشارکت سیاسی خود انتخاب می‌کنند و بنابراین نیروی سیاسی خود را در فضایی قرار می‌دهند که افرادی را که با این شکل از سازماندهی آشنا نیستند، کنار می‌گذارد. در نتیجه، استفاده از ابزارهای آنلاین باعث می‌شود تا فمینیست‌های جوان «نامرئی و غایب»^۶ شوند - نه تنها برای عموم مردم بلکه برای هم‌تایان سیاسی‌شان از نسل‌های قدیمی.

^۳ Anita Harris, 'Young Women, Late Modern Politics, and the Participatory Possibilities of Online Cultures', *Journal of Youth Studies*, Vol. 11, No. 5 (2008), pp. 481-495.

^۴ برای مرور ادبیات پیشین پژوهش، بنگرید به:

Christina Scharff, *Repudiating Feminism: Young Women in a Neoliberal World* (Burlington, VT: Ashgate, 2012).

^۵ Shelley Budgeon, *Third Wave Feminism and the Politics of Gender in Late Modernity* (Houndmills: Palgrave Macmillan, 2011), pp. 156-181.

^۶ Invisible

تمرکز بر نیوزلند از تغییر پارادایمی این کشور به سمت نئولیبرالیسم از ۱۹۸۴^۷ ناشی می‌شود، که ویژگی‌های جنبش‌های عدالت اجتماعی را با تقویت برخی از تحولات اجتماعی مانند فردگرایی^۸ شکل داد.^۹ بسیاری از جوامع (مسلط) غربی در همان بازه زمانی حاکمیت نئولیبرالی را اتخاذ کردند، هرچند عموماً به سرعت نیوزلند نبود. بنابراین، یافته‌ها به دیگر جنبش‌های زنان در سایر کشورهای غربی که تأثیرات نئولیبرالیسم در آن‌ها وجود دارد مرتبط است اما احتمالاً نامحسوس‌تر است.

پژوهشگران بسیاری، درباره استفاده زنان از اینترنت برای اهداف سیاسی تحقیق کرده‌اند. موراها-مارتین، ساتن و پالک موضوع نابرابری‌های خاص جنسیتی در فعالیت‌های سیاسی مبتنی بر اینترنت را مورد بررسی قرار داده‌اند.^{۱۰} کلر وبلاگ‌های زنان جوان را مطالعه و همچنین بررسی کرده است که چگونه این رسانه بستری را برای بیان عقاید سیاسی و فمینیستی فراهم می‌کند.^{۱۲} هریس شناسایی کرده است که در موضوع کنش انجام دادن به‌عنوان یک شهروند، فضاهای آنلاین کمتر از فرم رسانه‌های سنتی برای زنان جوان ایجاد ترس می‌کنند و گریسون خاطر نشان ساخته است که مزیت اینترنت برای دختران فمینیست، استفاده از فضایی است که توسط بزرگسالان کنترل نمی‌شود.^{۱۳}

به طور کلی، اهمیت و پتانسیل اینترنت برای شهروندی فعال و مشارکت سیاسی در طول ۱۵ سال گذشته توجه علمی را به خود جلب و علاقه خاصی را به خصوص به دو موضوع ایجاد کرده است. در ابتدا، نویسندگان بحث کرده‌اند که فعالیت آنلاین تا چه حد می‌تواند به «دنیای واقعی» برسد و بنابراین مشارکت

^۷ Wendy Larner and Maria Butler, 'Governmentalities of Local Partnerships: The Rise of a "Partnering State" in New Zealand', *Studies in Political Economy*, Vol. 75 (2005), pp. 85_108.

^۸ Individualization

^۹ Sarah Maddison and Greg Martin, 'Introduction to "Surviving Neoliberalism: The Persistence of Australian Social Movements"', *Social Movement Studies*, Vol. 9, No. 2 (2010), pp. 101_120.

^{۱۰} Janet Morahan-Martin, 'Women and the Internet: Promise and Perils', *Cyber Psychology and Behavior*, Vol. 3, No. 5 (2000), pp. 683_691.

^{۱۱} Jo Sutton and Scarlet Pollok, 'Online Activism for Women's Rights', *Cyber Psychology and Behavior*, Vol. 3, No. 5 (2000), pp. 699_706.

^{۱۲} Jessalynn Marie Keller, 'Virtual Feminisms', *Information, Communication and Society*, Vol. 15, No. 3 (2011), pp. 429_447.

^{۱۳} Anita Harris, 'Mind the Gap: Attitudes and Emergent Feminist Politics since the Third Wave', *Australian Feminist Studies*, Vol. 25, No. 66 (2010), pp. 475_484.

^{۱۴} Ednie Kaeh Garrison, 'US Feminism _ Grrrl Style! Youth (Sub)Cultures and the Technologicals of the Third Wave', *Feminist Studies*, Vol. 26, No. 1 (2000), pp. 141_170.

سیاسی محسوب شود.^{۱۵} برخی از نویسندگان فعالیت آنلاین را «مبارزه از زیر پتو»^{۱۶} توصیف کردند، که تأثیر کمی بر تصمیمات سیاسی دارد و به طور بالقوه حواس را از شکل‌های موثرتر مشارکت پرت می‌کند.^{۱۷} برخی دیگر خلاف این عقیده استدلال کرده و اظهار داشته‌اند که فعالیت‌هایی نظیر گرداندن یک حساب فیس‌بوک به اشتباه توسط تحقیقات سنتی در مورد مشارکت سیاسی نادیده گرفته شده است.^{۱۸} ثانیاً، تحقیقات زیادی با نتایج متفاوت، بررسی کرده است که چگونه فعالیت‌های آفلاین و آنلاین سیاسی با یکدیگر ارتباط دارند و چگونه استفاده از اینترنت مشارکت سیاسی سنتی را افزایش می‌دهد یا مانع آن می‌شود (به عنوان مثال رأی دادن، شرکت در اعتراضات خیابانی).^{۱۹}

اختلاف نظرهای پیرامون این سوالات غالباً با تعاریف مختلفی از مشارکت سیاسی و همچنین تناقض نظرات درباره انواع فعالیت‌هایی که به عنوان فعالیت آنلاین مطرح می‌شوند، همراه است.^{۲۰} درباره این مورد آخر، تئوچاریس تمایز مفیدی را میان ابزار آنلاین دوره قبل و بعد عصر وب ۲.۰ ارائه داده است.^{۲۱} وی وب ۲ را به عنوان «یک بستر اینترنتی توصیف کرده است که می‌تواند در جهت به اشتراک‌گذاری اطلاعات تعاملی،

^{۱۵} Sonja Livingstone, Magdalena Bober and Ellen J. Helsper, 'Active Participation or Just More Information?', *Information, Communication and Society*, Vol. 8, No. 3 (2005), pp. 287_314; W. Lance Bennett, 'Changing Citizenship in the Digital Age', in W. Lance Bennett (ed.), *Civic Life Online: Learning How Digital Media Can Engage Youth* (Cambridge, MA: MIT Press, 2007).

^{۱۶} Slacktivism:

مبارزه از زیر پتو یا مبارزه از زیر لحاف، واژه‌ای تحقیرآمیز در وصف فعالیت‌های اجتماعی مجازی‌ای است که به فرد احساس رضایت کاذب انجام عملی مثبت را می‌دهند، در حالی که تأثیر واقعی آن کار هیچ یا بسیار ناچیز است. م.

^{۱۷} Henrik S. Christensen, 'Political Activities on the Internet: Slacktivism or Political Participation by Other Means?', *First Monday*, Vol. 16, Nos 2_7 (2011). Available at: firstmonday.org.

^{۱۸} Kristoffer Holt, Adam Shehata, Jesper Strohmba and Elisabet Ljungberg, 'Age and the Effect of News Media Attention and Social Media Use on Political Interest and Participation: Do Social Media Function as Leveller?', *European Journal of Communication*, Vol. 28, No. 1 (2013), p. 31.

^{۱۹} M. Kent Jennings and Vicki Zeitner, 'Internet Use and Civic Engagement: A Longitudinal Analysis', *Public Opinion Quarterly*, Vol. 67, No. 3 (2003), pp. 311_334; Dietram A. Scheufele and Matthew C. Nisbet, 'Being a Citizen Online: New Opportunities and Dead Ends', *Harvard International Journal of Press/Politics*, Vol. 7, No. 3 (2002), pp. 55_75.

^{۲۰} José Marichal, 'Political Facebook Groups: Micro-Activism and the Digital Front Stage', presented at the 'Internet, Politics, Policy 2010' Conference, Oxford, September 2010.

^{۲۱} Web 2.0:

در این وبسایت‌ها کاربران می‌توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند، مطلب بنویسند، در مورد گفته‌ها و محتوای منتشر شده توسط دیگران اظهار نظر کنند و حتی عکس و ویدیو منتشر کنند. این در حالی است که در وب ۱.۰ تقریباً تنها کاری که کاربران یک وبسایت قادر به انجام آن بودند مشاهده و دریافت محتوا بود. م.

^{۲۲} Yannis Theocharis, 'Cuts, Tweets, Solidarity and Mobilisation: How the Internet Shaped the Student Occupations', *Parliamentary Affairs*, Vol. 65, No. 1 (2012), p. 167.

قابلیت همکاری، طراحی کاربر محور و همکاری در شبکه جهانی وب مورد استفاده قرار بگیرد، و با برنامه هایی مانند سایت‌های اشتراک ویدیو، ویکی‌ها، وبلاگ‌ها و سرویس شبکه‌های اجتماعی شناخته می‌شود (به عنوان مثال فیس‌بوک، یوتیوب، توییتر)». دوره قبل از وب ۲ برنامه‌های تعاملی و ارتباطی کمتری داشت. این مقاله بر اساس این تمایز استوار است و به استفاده از ابزارهای آنلاین وب ۲ برای اهداف سیاسی به عنوان فعالیت آنلاین می‌پردازد. بسیاری از تحقیقات درباره کنش آنلاین (کنش سایبری^{۲۳}) پیرامون شکاف دیجیتال^{۲۴} صحبت می‌کنند، که حاکی از این امر است که دسترسی به اینترنت به طور مساوی میان مردم توزیع نشده است اما در بین جوانان و گروه‌های برخوردار متمرکز است. بنابراین، ادبیات مربوط به کنش سایبری توجه زیادی به رفتار آنلاین جوانان دارد^{۲۵}، زیرا ترجیح نسل‌های قدیمی‌تر برای مشارکت سیاسی از طریق رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی سنتی است.^{۲۶} با این حال، به استثنای هریس و پولتات، که اظهار داشته‌اند فعالیت آنلاین می‌تواند برای افراد بیرونی «نامرئی» باشد^{۲۷} و به اندازه کافی قابل تبلیغ نباشد^{۲۸}، ادبیات موجود موقعیتی برای بررسی چگونگی تأثیر تفاوت نسل‌ها در استفاده از اینترنت بر ارتباط بین فعالین و کنشگران در سنین مختلف، به وجود آورده است. در این مقاله، من استدلال می‌کنم که فعالیت آنلاین به طور قابل توجهی بر این ارتباط بین نسلی تأثیر می‌گذارد به گونه‌ای که در نیوزلند، نتایجی منفی برای جنبش فمینیستی در پی داشته است.

^{۲۳} Cyberactivism

^{۲۴} Digital divide:

شکاف دیجیتال اصطلاحی است در اشاره به فاصله بین مردمانی که به فناوری دیجیتال و فناوری اطلاعات دسترسی مؤثری دارند با مردمانی که دسترسی بسیار محدودی به این فناوری‌ها داشته یا اصلاً ندارند. این عبارت، شامل عدم تعادل در دسترسی فیزیکی به فناوری (تکنولوژی) نیز می‌شود.
م.

^{۲۵} Livingstone et al., 'Active Participation or Just More Information?', pp. 287-314; Tom P. Bakker and Claes deVreese, 'Good News for the Future? Young People, Internet Use, and Political Participation', *Communication Research*, Vol. 38, No. 4 (2011), pp. 451-470.

^{۲۶} Holt et al., 'Age and the Effect of News Media Attention and Social Media Use in Political Interest and Participation', pp. 19-34.

^{۲۷} Harris, 'Mind the Gap', p. 479.

^{۲۸} Rabia K. Polat, 'The Internet and Political Participation: Exploring the Explanatory Links', *European Journal of Communication*, Vol. 20, No. 4 (2005), pp. 435-459.

روابط موجی

در حالی که برخی از نویسندگان اصرار دارند که فمینیسم معاصر موج متمایز جدیدی نیست^{۲۹}، محققان دیگر از آن به دلیل اتخاذ رویکردهای بسیار متفاوت از «موج دوم» انتقاد می‌کنند^{۳۰}. بنابراین وجود موج سوم جدید فمینیسم مورد مناقشه است. برای هدف این مقاله که بیان تضاد دو نسل [رویکرد فمینیستی] است، استعاره موج، مفید به نظر می‌رسد. ادبیات این حوزه، موج سوم را متشکل از فمینیست‌هایی تعریف می‌کند که متولد دهه ۱۹۶۰ هستند و از دهه ۱۹۹۰ به کنش و فعالیت پرداخته‌اند^{۳۱} و بر تفاوت منافع زنان به عنوان موضوع اصلی این موج ناهمگن تأکید می‌کنند^{۳۲}. این امر عمدتاً به این دلیل است که موج سوم فمینیسم با مسائل درهم تنیدگی (اینترسکشنالیتی)^{۳۳} که در اصل توسط فمینیست‌های رنگین‌پوست پیرامون ذات‌گرایی فمینیسم سفید غربی مطرح شده، همپوشانی دارد و اساساً برآمده از همین مسائل است^{۳۴}. دیدگاه‌های نظری مرتبط با این موج شامل تأثیرات پسااستعماری، درهم‌تنیدگی و گاه حتی پسا فمینیستی است. بنابراین فمینیست‌هایی که با موج سوم هم‌ذات‌پنداری می‌کنند رویکردهای متنوعی را در پیش می‌گیرند اما آنان اغلب به چگونگی شکست فمینیسم غربی در بیان درست اختلافات میان زنان، نقد وارد می‌کنند و به دنبال غلبه بر چنین شکست‌هایی است. در حالی که طرفداران موج سوم نیز این شکل از خوداندیشی و خودارزیابی را در کارهای خود اعمال می‌کنند، بیشتر انتقادات به موج دوم برمی‌گردد. با

^{۲۹} Cathryn Bailey, 'Making Waves and Drawing Lines: The Politics of Defining Vicissitudes of Feminism', *Hypatia*, Vol. 12, No. 3 (1997), pp. 17_28.

^{۳۰} Jenny Coleman, 'An Introduction to Feminisms in a Postfeminist Age', *Women's Studies Journal*, Vol. 23, No. 2 (2009), pp. 3_13.

^{۳۱} Leslie Heywood and Jennifer Drake, "'It's All about the Benjamins'": Economic Determinants of Third Wave Feminism in the United States', in Stacy Gillis and Gillian Howie (eds), *Third Wave Feminism: A Critical Exploration* (New York: Palgrave Macmillan, 2007). pp. 115_124.

^{۳۲} Catherine Harnois, 'Re-presenting Feminisms: Past, Present, Future', *National Women's Studies Association Journal*, Vol. 20, No. 1 (2008), pp. 120_145.

^{۳۳} Intersectionality:

اینترسکشنالیتی یا درهم‌تنیدگی چارچوبی تحلیلی است در تلاش برای شناسایی نظام‌های درهم‌تنیده قدرت که بر کسانی که بیش از همه در جامعه به حاشیه رانده شده‌اند اثر می‌گذارد. اینترسکشنالیتی در نظر می‌گیرد که اشکال گوناگون لایه‌های اجتماعی همچون طبقه، گرایش جنسی، سن، دین، آیین، ناتوانی و جنسیت جدا از یکدیگر وجود ندارند بلکه در هم تنیده‌اند. م.

^{۳۴} Budgeon, *Third Wave Feminism and the Politics of Gender in Late Modernity*, p. 8.

توجه به اینکه بسیاری از نمایندگان نسل قبلی وقت، انرژی و تعهد زیادی برای دستیابی به اهداف فمینیستی جنبش موج دوم صرف کرده‌اند، جای تعجب نیست که آن‌ها اغلب از انتقادات فمینیست‌های موج سوم، که به جوان‌تر و مسلماً در مبارزات سیاسی کم‌تجربه‌تر هستند، استقبال نمی‌کنند. برعکس، مفاهیم موج سوم مانند «فمینیسم رژلبی»^{۳۵}، «فمینیسم-خودت انجامش بده»^{۳۶} و «سایبر-فمینیسم»^{۳۷} اغلب توسط نسل‌های قدیمی به دلیل غیرسیاسی بودن^{۳۸} یا قهقرایی بودن^{۳۹} مورد انتقاد قرار می‌گیرند. علاوه بر این، ترکیبی از تفکر نئولیبرالی و انتظارات موج سوم از ترکیب تفاوت‌های فردی بین زنان، منجر به شکل‌گیری صورت‌های کاملاً فردی فمینیسم شده است که گویا با تلاش‌های موج دوم برای تقویت یک جنبش جمعی مغایرت دارد.^{۴۰} بنابراین فمینیست‌های جوان اغلب تلاش می‌کنند تا فعالیت و کنش آن‌ها توسط برخی از نمایندگان موج دوم جدی گرفته شود.

اختلافات نسلی همیشه در درون فمینیسم وجود داشته است. اما برخلاف موج دوم که پس از پایان موج اول آغاز شد، موج سوم و دوم به طور هم‌زمان وجود دارند.^{۴۱} بنابراین، طرفداران موج سوم نه تنها باید از ارزش‌های خود در برابر یک جامعه جریان اصلی که ظهور پست فمینیسم را اعلام و در کل ضرورت فعالیت فمینیستی را نفی می‌کند، دفاع کنند، بلکه آن‌ها همچنین باید برای هدایت جریان فمینیسم با نسل قبلی مذاکره هم بکنند.^{۴۲}

هنگام تجزیه و تحلیل نحوه ادراک دو نسل از روش‌های مشارکت سیاسی یکدیگر، این پیش‌شرط‌ها باید مورد توجه قرار گیرند. می‌توان انتظار داشت که فمینیست‌های جوان شکلی از سازماندهی را انتخاب کنند

^{۳۵} lipstick-feminism

^{۳۶} DIY-feminism

^{۳۷} cyber-feminism

^{۳۸} Coleman, 'An Introduction to Feminisms in a Postfeminist Age', pp. 3_13.

^{۳۹} Susann Archer Mann and Douglas J. Huffman, 'The Decentering of Second Wave Feminism and the Rise of the Third Wave', *Science and Society*, Vol. 69, No. 1 (2005), pp. 56_91.

^{۴۰} Harris, 'Mind the Gap', p. 477.

^{۴۱} Feminism did not pause between waves. Here the wave metaphor refers to exceptionally vocal periods of feminism.

^{۴۲} Amber E. Kinser, 'Negotiating Spaces For/Through Third-Wave Feminism', *Feminist Formations*, Vol. 16, No. 3 (2004), pp. 124153.

که به آن‌ها امکان ایجاد شبکه میان خود و جلوگیری از انتقاد نمایندگان موج دوم را بدهد. با این حال، یکی از اهداف اصلی فمینیسم موج سوم فراگیر بودن است.^{۴۳} در حالی که این فراگیری در ابتدا به تنوع قومی اشاره داشت، این مفهوم به سایر مقوله‌های اجتماعی (اگر همه قابل تصور نباشد) مانند طبقه، هویت‌های جنسی، ناتوانی‌ها و توانایی‌ها و سن گسترش یافته است. بنابراین، انتظار می‌رود که فمینیست‌های جوان تلاش کنند تا فعالیت خود را در دسترس همه گروه‌های علاقه‌مند، از جمله فمینیست‌های سن بالاتر قرار دهند. به دنبال استدلال دوم، انتخاب فعالیت آنلاین به عنوان ابزاری ترجیحی برای شبکه‌سازی و سازماندهی، با هدف فراگیر بودن در تضاد است، در صورتی که - همانطور که من فرض می‌کنم - به نامرئی بودن فمینیست جوان کمک کند. با در نظر داشتن این دو توضیح احتمالی، بررسی دامنه و دید (یا فقدان آن) فعالیت آنلاین فمینیستی ارزشمند به نظر می‌رسد.

سن	تعداد	قومیت ^۱	تعداد	هویت جنسی ^۲	تعداد
۲۰-۲۹	۱۷	نیوزلندی/اروپایی ^۲	۳۱	دگرجنس‌گرا	۲۵
۳۰-۳۹	۱۱	آسیایی ^۴	۸	اقلیت جنسی	۷
۴۰-۴۹	۳	مائوری	۵	همجنس‌گرا	۵
۵۰-۵۹	۶	ساموایی	۱	دوجنس‌گرا	۱
۶۰-۷۰	۳			ناشناخته	۲

جدول شماره ۱: ویژگی‌های نمونه

روش‌شناسی

این تحقیق توسط یک روش فمینیستی پیش می‌رود که از تئوری دیدگاه^{۴۴} استفاده می‌کند^{۴۵} و بنابراین جستجوی دانش خود را با حمایت از مبارزات سیاسی زنان پیوند می‌دهد. بنابراین، انگیزه بحث در مورد

^{۴۳} Naomi Zack, *Inclusive Feminism: A Third Wave Theory of Women's Commonality* (Lanham, MD: Rowman & Littlefield, 2005).

^{۴۴} Standpoint theory:

نظریه‌ای است که در برخی از رشته‌های دانشگاهی برای تجزیه و تحلیل گفتمان‌های بین ذهنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مجموعه کار پیشنهاد می‌کند که اقتدار ریشه در دانش افراد (دیدگاه‌های آن‌ها) و قدرتی که این اقتدار اعمال می‌کند، دارد. مهم‌ترین مفهوم نظریه این است که دیدگاه‌های شخص توسط تجارب اجتماعی و سیاسی وی شکل می‌گیرد. م.

^{۴۵} این نظریه پویایی قدرت اجتماعی را به‌عنوان بخشی مهم در تولید دانش در نظر می‌گیرد، به‌عنوان مثال:

شکاف نسلی بین فمینیست‌ها، برجسته کردن ناسازگاری‌ها نیست بلکه کمک به ریشه‌کن کردن سوءتفاهم‌ها است. یافته‌ها بر پایه ۴۰ مصاحبه کیفی با زنان در رنج‌های سنی متفاوت انجام بنا شده که به طور فعال درگیر مسائل سیاسی زنان یا فعالیت فمینیستی در اوکلند و ولینگتون بودند. مصاحبه‌ها بخشی از یک پروژه دکترای گسترده‌تر توسط نویسنده است که در دانشگاه اوکلند مستقر است و ماهیت جنبش زنان معاصر در نیوزلند را بررسی می‌کند. نمونه‌گیری این پروژه بر اساس روش گلوله برفی^{۴۶} از طریق ایمیل بود. نخست، اولین فراخوان شرکت‌کنندگان از طریق سازمان‌های زنان از طریق ایمیل ارسال شد و دریافت‌کنندگان آن را در شبکه‌های شخصی خود به اشتراک می‌گذاشتند. این امر منجر به دریافت بیش از ۷۰ پاسخ توسط زنان علاقه‌مند از سراسر شد. انتخاب ۴۰ شرکت‌کننده به‌منظور به حداکثر رساندن تنوع در مصاحبه‌شوندگان با توجه به سن، قومیت و اشکال تعاملات و کنش‌های فمینیستی آن‌ها بود. معیارهای دیگر، مانند هویت جنسی و شغل، معیارهای اولیه نمونه‌گیری نبودند، اما در صورت امکان از آن‌ها برای افزایش تنوع در این حوزه‌ها نیز استفاده شد. جدول شماره ۱ توزیع اولین مجموعه ویژگی‌های نمونه را نشان می‌دهد. به طور کلی، این نمونه، نشان‌دهنده گستره متنوعی است، اما تعداد نامیدکننده زنان جزیره اقیانوس آرام را در میان شرکت‌کنندگان تأیید می‌کنم.

۲۳	کنشگران و گروه‌های مردمی (مانند فمینیست‌های آنارشیست، سازمان‌های تجمع و اعتراض)
۱۲	موسسه‌های رسمی (مانند شورای ملی زنان، اتحادیه رفاه زنان مائوری)
۸	ارائه دهنده خدمات برای زنان (مانند مرکز زنان اوکلند، آموزش پیشگیری از تجاوز به عنف)
۷	گروه غیر سیاسی زنان (مانند گروه کلیساها، گروه کر)
۶	باشگاه‌های دانشگاهی / سیاسی (مانند باشگاه فمینیستی، دفتر حقوق زنان)
۲	نهاد دولتی (به عنوان مثال وزارت امور زنان)

جدول شماره ۲: اشکال تعامل فمینیستی (عضویت چندگانه امکان پذیر است)

Sandra Harding, "Strong Objectivity": A Response to the New Objectivity Question', *Synthese*, Vol. 104, No. 3 (1995), pp. 331_349.

^{۴۶} Snowballing method:

در جامعه‌شناسی، نمونه‌گیری گلوله برفی یک روش غیرمحمتمل است که در آن افراد مورد مطالعه موجود، افراد آینده را معرفی می‌کنند. بنابراین گفته می‌شود که گروه نمونه مانند یک گلوله برفی غلتکی رشد می‌کند. با جمع شدن نمونه، داده‌های کافی و مفید برای تحقیق جمع‌آوری می‌شود. این روش نمونه‌گیری غالباً در جمعیت‌های پنهان که دسترسی به آن‌ها برای محققان دشوار است، مورد استفاده است. م.

بیشتر مصاحبه‌شوندگان خود را «فمینیست» معرفی کردند. در میان شش زنی که این عنوان را به طور کامل قبول نکردند، فقط دو زن این عنوان را تماماً رد کردند که هر دو ۳۵ سال یا بیشتر داشتند. چهار زن باقی‌مانده اظهار داشتند که بسته به شرایط مربوطه «ممکن است»، «بعضی اوقات» یا «غالباً» به عنوان فمینیست شناخته شوند. با توجه به حساسیت پیرامون موضوعاتی مانند در نظر گرفتن خود به عنوان فمینیست^{۴۷}، این مقاله با خطاب قرار دادن گروه زنان جوان‌تر (که حداقل بعضی اوقات این عنوان را پذیرفته اند) به عنوان فمینیست، ۷ تفاوت در مقوله در نظر گرفتن خود به عنوان فمینیست را در بین شرکت‌کنندگان منعکس می‌کند، در حالی که از انجام این کار برای گروه مسن‌تر خودداری می‌کند. جدا از در نظر گرفتن خود به عنوان فمینیست، راه و روش‌های مشارکت و کنش سیاسی بین همه شرکت‌کنندگان بسیار متفاوت بود. آن‌ها در فعالیت‌های زیادی که هدف آن‌ها توانمندسازی زنان بوده مشارکت داشته و آنچه انگلهارت و نوریس^{۴۸} از آن‌ها به عنوان فعالیت سیاسی سنتی (به عنوان مثال دولت‌مداری، عضویت در اتحادیه)، فعالیت مدنی (به عنوان مثال از طریق سازمان‌های داوطلبانه / مشارکتی) یا فعالیت‌های اعتراضی (به عنوان مثال تظاهرات) یاد کرده‌اند، منعکس کرده‌اند. جدول ۲ ارتباط شرکت‌کنندگان با سازمان‌ها / گروه‌های زنان را نشان می‌دهد. این عضویت‌ها بیشتر فعالیت‌هایی را که هنگام پرسش از زنان در مورد چگونگی ارتباط آن‌ها با مسائل زنان فمینیستی یا سیاسی بیان شده بود، در خود جا داده است.

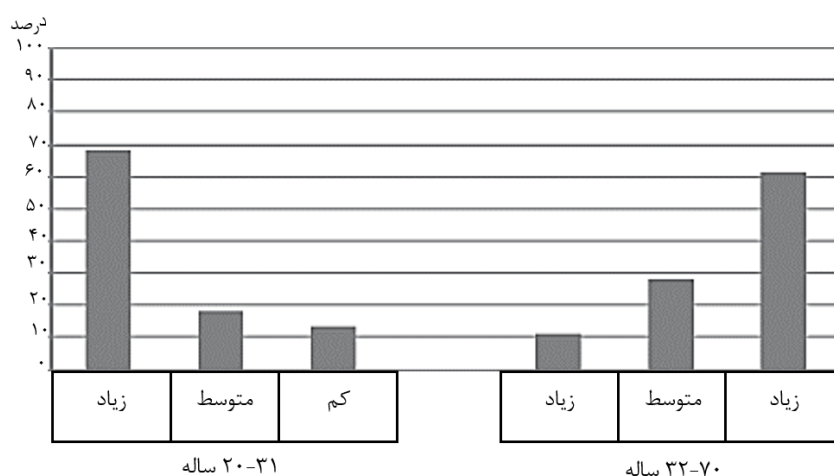
تحلیل موضوعی^{۴۹} و نرم‌افزار تحلیل کیفی اطلاعات^{۵۰} برای تحلیل مصاحبه‌های این مقاله استفاده شدند. باید تأکید کرد که این یک مطالعه کیفی است و بنابراین، درصدها (شکل ۱) فقط باید به عنوان ارائه روندهای کلی تفسیر شوند.

^{۴۷} Loreen N. Olson, Tina A. Coffelt, Eileen Berlin Ray et al., "'I'm all for equal rights, but don't call me feminist': Identity Dilemmas in Young Adults' Discursive Representation of Being a Feminist", *Women's Studies in Communication*, Vol. 31, No. 1 (2008), pp. 104_132.

^{۴۸} Ronald Inglehart and Pippa Norris, *Rising Tide: Gender Equality and Cultural Change around the World* (Cambridge: Cambridge University Press, 2003), pp. 101_126.

^{۴۹} Dennis Howitt, *Introduction to Qualitative Methods in Psychology* (Harlow: Pearson Education Limited, 2010), pp. 163-187.

قبل از بحث درباره شکافها و تفاوت میان نسلی، این مقاله نیاز به تعریف نسلها دارد و با اشاره به ادبیات مربوط به عصر دیجیتال، تقسیم نسلهای فمینیستی بر اساس گروههای سنی متفاوت است.^{۵۱} اصطلاحات «جوانتر» و «مسن» به عنوان راهی برای تمایز بین شرکت کنندگان ۲۰ تا ۳۱ ساله و ۳۲ تا ۷۰ ساله استفاده می‌شود. در حالی که دامنه سنی در گروه مسن بزرگتر از گروه جوانتر است، سن ۳۱ سالگی به عنوان حدفاصل دو گروه انتخاب شد زیرا در میان شرکت کنندگان سن متوسط است. سن ۳۱ سالگی تقریباً نمونه را به زنانی که در اجتماعات آنلاین شرکت کرده و کسانی که شرکت نکرده‌اند تقسیم می‌کند.



شکل شماره ۱: میل به استفاده از اینترنت براساس گروه سنی.

استفاده زنان جوان از شبکه‌های اجتماعی

با توجه به یافته‌های بکر و دورس که مشارکت سیاسی کاربران رسانه‌های مختلف (به ویژه کاربران رسانه‌های آنلاین و آفلاین)، متفاوت است^{۵۲}، توزیع «گرایش به اینترنت» در میان شرکت کنندگان به عنوان اولین شاخص استفاده شده که نشان می‌دهد فعالیت آنلاین باعث شکاف نسلها شده است (شکل ۱). من درک می‌کنم که سطح «گرایش به اینترنت» شرکت کنندگان در هنگام استفاده از آن برای اهداف سیاسی و به

^{۵۰} NVivo 9

^{۵۱} Fadi Hirzalla and Liesbet vanZoonen, 'Beyond the Online/Offline Divide: How Youth's Online and Offline Civic Activities Converge', *Social Science Computer Review*, Vol. 29, No. 4 (2011), pp. 481_498.

^{۵۲} Bakker and deVreese, 'Good News for the Future?', pp. 451_470.

عنوان یک منبع اطلاعاتی برای مسائل فمینیستی است. سطح پایین گرایش به اینترنت مربوط به زنانی است که استفاده از ابزاری مانند فیس‌بوک، تامبلر یا تویتر را به هیچ وجه ذکر نکرده‌اند یا اصولاً از منابع دیگر استفاده کرده‌اند. سطح متوسط و میانه مربوط به شرکت‌کنندگانی است به عنوان مثال استفاده از خبرنامه‌های ایمیل یا پست‌های گاه به گاه فیس‌بوک صحبت کرده اما از ابزارها و منابع دیگری نیز در روایت‌های خود نام برده‌اند. گروهی از زنان که تمایل زیادی به اینترنت دارند، در مورد اینترنت به عنوان روش (تقریباً) اختصاصی خود برای آگاهی دادن درباره فمینیسم و سازماندهی کنشگری صحبت کردند. آن‌ها بیان کردند:

«من بسیاری از وبلاگ‌ها را خوانده‌ام و آراس‌اس‌فید^{۵۳} با طول دوازده مایل دارم.» (جودیت، ۲۱ ساله)

«من پیوسته در حال مطالعه منابع آنلاین هستم و به همین صورت است که اطلاعات را به دست می‌آورم، حقیقتاً از راه آنلاین. فیس‌بوک یا شبکه‌های اینترنتی گسترده‌تر» (نانا، ۲۸ ساله)

«حدس می‌زنم هر روز تقریباً تامبلر را می‌خوانم. یعنی من از خواب بیدار می‌شوم و تلفن خود را چک می‌کنم و از طریق آن پیامش می‌کنم» (گابریلا، ۲۵ ساله).^{۵۴}

الگوی تقریباً متقارنی در شکل ۱ نشان می‌دهد که زنان جوان نسبت به زنان مسن علاقه بیشتری به ابزارهای آنلاین، رسانه‌های اجتماعی و اینترنت نشان می‌دهند. این امر تعجب‌آور نیست زیرا سواد دیجیتال معمولاً در میان افراد جوان بالاتر است.^{۵۵} این آمار اولین شواهدی است که نشان می‌دهد استفاده از فضای اینترنت برای همه نسل‌ها، یکسان و مشترک نیست. من استدلال می‌کنم که این تا حدی به این دلیل است که زنان جوان از اینترنت نه تنها برای ارتباطات غیرسیاسی روزمره و به عنوان منبع اطلاعات بلکه برای فعالیت‌های فمینیستی خود نیز استفاده می‌کنند. لی، نویسنده طرفدار و توانمندسازی زنان جوان، اظهار داشت که اینترنت «انقلابی در نحوه سازماندهی ما ایجاد کرده است» و «به ویژه در خدمت‌رسانی به

^{۵۳} RSS feed

ابزاری است که برای انتقال دیتا مابین وبسایت‌های مختلف و در نهایت ارائه دیتای مدنظر به کاربران طراحی شده است. این ابزار چکیده‌ای از محتوای سایت را در قالب دیتایی قابل‌درک برای کاربران فراهم می‌کند. م.

^{۵۴} نام تمامی افراد، مستعار هستند.

^{۵۵} David Buckingham and Rebekah Willett, *Digital Generations: Children, Young People and New Media* (Mahwah, NJ: Erlbaum, 2006).

برنامه‌های سیاسی زنان بسیار موثر بوده است»^{۵۶}. جلوتر، معنا و مفهوم این امر در نزد کاربران را بررسی خواهیم کرد.

رسانه‌های جدید برای مشارکت فمینیستی

وب ۲ را می‌توان به روش‌های مختلفی برای اهداف سیاسی به کار برد.^{۵۷} استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای افزایش آگاهی در مورد برخی از موضوعات (به عنوان مثال وقایع سیاسی فعلی) با عنوان «میکروآکتیویسم»^{۵۸} شناخته شده است و از منظر کاربران، به عنوان راهی مناسب برای مشارکت سیاسی که مستلزم درگیری پایین بود، شناخته شد. این مسیر برای بسیاری از کسانی که وقت زیادی برای سر و کله زدن طولانی با کنشگری را نداشته یا اخیراً به فمینیسم علاقه‌مند شده بودند و به دنبال روشی آسان و در دسترس بودند، اهمیت داشت. با این وجود که افزایش آگاهی تأثیر مستقیم یا فوری در تغییر اجتماعی ندارد، برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که ارسال مقالات آنلاین فمینیستی، فیلم‌ها و مواردی از این دست را در صفحات فیس‌بوک نباید دست کم گرفت. جمیلا (۲۱ ساله) گفت: «من تصور می‌کنم این قابلیت بسیار مهم است. با این که افراد بسیاری هستند که از این اطلاعات سرسری عبور می‌کنند اما به نظرم مهم است که این اطلاعات را متوجه شویم و درک کنیم.» جمیلا تنها مصاحبه‌کننده‌ای نبود که برای فهم مطالب اهمیت زیادی قائل بود، فیس‌بوک برای این منظور ایده‌آل به نظر می‌رسید زیرا رسانه‌ای است که روزانه تعداد زیادی از جوانان از آن استفاده می‌کنند.

وبلاگ‌های فمینیستی یکی دیگر از روش‌های محبوب افزایش آگاهی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات است. این وبلاگ‌ها نیاز به مشارکت بیشتری دارند زیرا باید مرتباً به‌روز شوند و غالباً شامل مقاله‌ها و تفسیرهای گسترده درباره موضوعات سیاسی و یا مسائل فمینیستی هستند. در بستر نیوزلند، وبلاگی به نام آینه جیبی

^{۵۶} Shireen Lee, 'The New Girls Network: Women, Technology, and Feminism', in Vivien Labaton and Dawn Lundy Martin (eds), *The Fire this Time: Young Activists and the New Feminism* (New York: Anchor Books, 2004), p. 100.

^{۵۷} Jody C. Baumgartner and Jonathan S. Morris, 'MyFaceTube Politics: Social Networking Websites and Political Engagement of Young Adults', *Social Science Computer Review*, Vol. 28, No. 1 (2010), pp. 24_44.

^{۵۸} Marichal, 'Political Facebook Groups'.

که توسط جمعی از زنان فمینیست ساکن نیوزلند نوشته می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^{۵۹} با عمری بیش از پنج سال، برای یک وبلاگ و ۱۳ کاربری که نویسنده یا خواننده آن هستند، نسبتاً طولانی محسوب می‌شود – که این امر برای یک وبلاگ در نیوزلند قابل توجه است، با توجه به اینکه اینترنت گزینه‌های بین‌المللی بی‌شماری را ارائه می‌دهد.

صفحات فیس‌بوک و وبلاگ‌ها هردو بستر گفتگو و مشارکت را فراهم می‌کنند. خوانندگان می‌توانند نظر دهند، ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند و انتقادات خود را ارسال کنند. بنابراین زنان جوان به وضوح با یکدیگر در حال تعامل بوده و جوامع آنلاین تشکیل دادند. در حالی که برخی از نویسندگان درباره این امر که چگونه شبکه‌های آنلاین می‌توانند جوامع معنی‌دار ایجاد کنند، تردید دارند،^{۶۰} هریس استدلال کرده است که ابزارهای وب ۲ فرصت‌های مطلوبی به ویژه برای زنان جوان برای تولید «خود عمومی» فراهم می‌کند.^{۶۱} زنان در مصاحبه بیان کردند که معمولاً به چنین جوامعی بسیار اهمیت می‌دهند.

به عنوان مثال، بتی (ساله ۳۱) بیان کرد که روابط آنلاین برای او چقدر مهم بود:

فضای آنلاین راه ارتباط من با افرادی بود که از نظرم فمینیست بودند و من شخصاً هیچ‌کس را نمی‌شناختم... من تقریباً با فمینیست‌های آنلاین ارتباط برقرار کردم تا این که توانستم فمینیست‌ها را در نیوزلند پیدا کنم. اما داشتن دوستان فمینیست شگفت‌انگیز است! یادم می‌آید مدتی طولانی احساس می‌کردم که فمینیست هستم... بنابراین بله واقعاً شگفت‌انگیز است که با کل فمینیست‌ها ارتباط برقرار کنید.

سایر افراد مانند بتی اشاره کردند که چگونه اینترنت به آن‌ها کمک کرد تا به‌عنوان یک فمینیست احساس انزوا نکنند. چند زن جوان گفتند که وقتی خود را به‌عنوان فمینیست معرفی کردند با عدم درک از طرف دوستانشان روبرو شدند و بنابراین در «دنیای واقعی» هیچ همتایی برای گفتگو درباره فمینیسم ندارند. برای

^{۵۹} <http://thehandmirror.blogspot.co.nz/>.

^{۶۰} Cf. Keller, 'Virtual Feminisms', pp. 429_447.

^{۶۱} Harris, 'Mind the Gap', p. 479.

یک مادر جوان با مشکلات مالی یافتن موقعیتهایی برای بیرون رفتن و ملاقات با دیگر فمینیست‌ها دشوار بود. همه آن‌ها از اینترنت به دلیل فراهم کردن راهی برای برقراری ارتباط با دیگر زنان همفکر، که باعث می‌شود احساس انزوای کمتری داشته باشند، قدردانی کردند.

در همان زمان، مباحثی پیرامون «مبارزه از زیر پتو» و رابطه فعالیت آنلاین و آفلاین استدلال‌هایی را ارائه می‌دهد مبنی بر این امر که گفتگوها و بحث‌های آنلاین، مشارکت سیاسی در «دنیای واقعی» محسوب نمی‌شوند.^{۶۲} اما زنان جوان فقط به بحث و گفتگو اکتفا نکردند. آن‌ها همچنین از رسانه‌های اجتماعی برای سازماندهی رویدادهای خارج از فضای مجازی استفاده کردند. چنین رویدادهایی شامل اعتراضات استثنائی و اعتصابات و همچنین ادامه کار تجمعات و گروه‌ها بود. به عنوان مثال، برنامه‌ریزی رویداد اسلات واک^{۶۳} در سال ۲۰۱۱ تقریباً کاملاً آنلاین اتفاق افتاد، همان‌طور که جو دیت (۲۱ ساله)، یکی از سازمان‌دهندگان آن، توضیح داد: «اسلات واک، کاملاً یک واقعه آنلاین بود. ما هیچ چیز پوستری نداشتیم - فکر می‌کنم اوکلند ممکن بود داشته باشد - اما ولینگتون هیچ پوستری نداشت. ما تنها به پشتوانه فیس‌بوک و توییتر حرکت کردیم و فقط ۱۲۰۰ نفر در ولینگتون داشتیم!»

مانند اسلات واک، پروژه «هولابک ولینگتون» نیز به صورت آنلاین با فعالیت آفلاین متصل شد. وبسایت آن فعالیت این مجموعه را توضیح می‌دهد:

هولابک شبکه‌ای از وبلاگ‌ها و چندین برنامه موبایل است. از طریق این تکنولوژی، افراد می‌توانند داستان‌هایی از تجارب آزار و اذیت خیابانی خود را ارسال کنند. سپس آن‌ها را با استفاده از گوگل‌مپ روی نقشه ولینگتون علامت‌گذاری می‌کنیم تا همه بتوانیم ببینیم این وقایع کجا رخ داده است و سکوت در برابر این نوع خشونت مبتنی بر جنسیت را بشکنیم.^{۶۴}

^{۶۲} E.g. Christensen, 'Political Activities on the Internet'.

^{۶۳} Slut walk: یک سری راهپیمایی اعتراضی بین‌المللی است که در سال ۲۰۱۱ در تورنتو به‌عنوان پاسخی به یک افسر پلیس که به زنان توصیه کرده بود مانند فاحشه‌ها لباس نپوشند، آغاز شد.

^{۶۴} <http://wellington.ihollaback.org/>.

تمام کارهای گروه هولابک آنلاین است، اما این کار در اصل مربوط به تعامل و مشارکت در جامعه برای یک هدف فمینیستی است. به همین ترتیب، مجموعه «غذا روی پا»^{۶۵} در نیوزلند که مجموعه‌ای است توسط زنان جوان شکل گرفته و در این مجموعه مادرانی که شیر زیادی دارند را به مادرانی که کمبود شیر مادر دارند، وصل می‌کند - فضای فیزیکی ندارد، اما یک صفحه فیس‌بوک به عنوان بستری برای ارتباط والدین دارد.

مزایا و معایب

دلایل زیادی وجود دارد که چرا ابزار آنلاین روش ارجح کنش برای زنان جوان است. اکثر جوانان با فعالیت اینترنتی آشنایی دارند زیرا از آن برای مقاصد دیگر (غیرسیاسی)، اغلب به صورت روزانه، نیز استفاده می‌کنند. زنان مورد مطالعه در این پژوهش همچنین تأکید کردند که شبکه‌های اجتماعی به راحتی در دسترس هستند و هزینه کمی دارند. این برای بسیاری از زنان جوان - غالباً دانشجویان اما برای مادران جوان هم - که منابع مالی زیادی ندارند، مهم بود. علاوه بر این، همان‌طور که هریس اشاره کرد، ابزارهای شبکه‌های اجتماعی مکان‌هایی را فراهم می‌کنند که زنان جوان بتوانند نظرات شخصی و سیاسی خود را بیان کنند و با افراد متنوعی ارتباط برقرار کنند.^{۶۶} این شبکه‌ها می‌توانند تحت عنوان «فضاهای ایمن» عمل کنند که زنان جوان از آن‌ها صحبت می‌کنند. به همین ترتیب، کلر استدلال کرده است که زنان جوان از وبلاگ‌ها به عنوان بسترهای گفتگو استفاده می‌کنند، زیرا فضای زیادی در اختیار آن‌ها نیست تا بتوانند درباره عقاید خود در مورد مسائل سیاسی صحبت کنند.^{۶۷} بسیاری از کاربران، انجمن‌های آنلاین را به‌عنوان روش‌های قدرتمندی برای گفتگو، به ویژه در مورد موضوعات حساس مانند سوءاستفاده جنسی، توصیف کردند. فضاهای گفتگوی آنلاین فضاهایی را فراهم می‌کنند که زنان می‌توانند تجربیات آسیب‌های خود را با دیگران که داستان‌هایی مشابه دارند به اشتراک بگذارند و همچنین می‌توانند به عنوان مثال درباره چگونگی واکنش فمینیستی به جوامعی با فرهنگ تجاوز جنسی، بحث کنند. برخلاف هر گردهمایی یا رویدادی در «دنیای واقعی»، زنان می

^{۶۵} Eats on Feets

^{۶۶} Harris, 'Mind the Gap', p. 480.

^{۶۷} Keller, 'Virtual Feminisms', pp. 429_447.

توانند انتخاب کنند می‌خواهند چه مقدار از هویت خود را به صورت آنلاین رونمایی کنند. حتی برخی از کاربران استدلال کردند که برای برخی از افراد، ممکن است آنلاین بودن تنها راه درگیری با چنین مسائلی باشد. جمیلا (۲۱ ساله)، که در گذشته مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود، توضیح داد که چرا به اعتراضات خیابانی نرفته است اما به صورت آنلاین فعال بوده است: «فضای آنلاین] دلهره کمتری دارد. وقتی فقط به فیس‌بوک مراجعه می‌کنید، به اشتراک گذاشتن مطالب مختلف در آن راحت می‌شود. دیگر نیاز نیست آزار و اذیت‌های دیگران را تحمل کنید». جودیت (۲۱ ساله) هم همین طرز فکر را دارد:

همه این موقعیت را دارند که در دنیای واقعی از آزار جنسی صحبت کنند، همه در این موقعیت نیستند، می‌دونید... من مداوماً وبلاگ یک زن تراجنسیتی بسیار دوست داشتنی را که زیاد بیرون نمی‌رود، می‌خوانم. این شخص در دنیای واقعی آزارهای زیادی را تحمل می‌کند. او به طور مثال این موقعیت را ندارد، نمی‌تواند به جنبش اسلات واک برود چون احساس امنیت نمی‌کند.

چندین کاربر امکان ناشناخته ماندن در جوامع آنلاین را با استفاده از نام مستعار را به عنوان یک مزیت معرفی کردند. همچنین از سوی محققانی مانند آندویزا، کنتیوچ و گالگو هم این امر برای مشارکت مفید شناخته شده است.^{۶۸}

یکی دیگر از مزایای کنش آنلاین که توسط مصاحبه‌شوندگان ذکر شد این بود که برای برنامه‌های شلوغ، قابلیت انعطاف‌پذیری خوبی دارد. برخلاف رویدادهای «دنیای واقعی»، که در یک زمان خاص در یک مکان خاص اتفاق می‌افتد، زنان می‌توانند در هر زمان آنلاین شوند. یک مادر مجرد جوان عنوان کرد که به طور مثال نمی‌توانست به دلیل مراقبت از فرزندان خود در جلسات شبانه گروه‌های فعال که در آن عضو بوده یا در اسلات واک شرکت کند. با این حال، وی مدیر صفحه فیس‌بوک یک مجموعه بود. بنابراین فعالیت آنلاین او را قادر ساخت تا نقشی اساسی در مجموعه خود داشته باشد. سایر مصاحبه‌کنندگان داستان‌های مشابهی را

^{۶۸} Eva Anduiza, Marta Cantijoch and Aina Gallego, 'Political Participation and the Internet', Information, Communication and Society, Vol. 12, No. 6 (2009), p. 866.

تعریف کردند که چگونه نمی‌توانستند در اعتراضات سنتی یا اعتصابات حضور پیدا کنند، زیرا آوردن بچه‌ها خیلی کار راحتی نبود. برخی از زنان با منابع محدود زمانی، انجام مسئولیت‌های خانوادگی خود را بر حضور در جلسات گروه اولویت می‌دادند. در این موارد، مشارکت آنلاین به طور خاص به مادران جوان - گروهی که اغلب مشارکت در فعالیت‌ها برای آن‌ها دشوار است - اجازه می‌دهد عمیقاً درگیر شوند و نقش‌های رهبری را بر عهده بگیرند.

زنان جوان همچنین دریافتند که رسانه‌های اجتماعی توانایی گسترش شبکه ارتباطی آن‌ها را در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی افزایش می‌دهند. آن‌ها تأکید کردند که برخی از پروژه‌های آن‌ها (به عنوان مثال، هولا بک و اسلات‌واک) در ابتدا در خارج از کشور آغاز شده بود اما از طریق شبکه‌های آنلاین در بسیاری از کشورهای دیگر گسترش یافت.

فیس‌بوک همچنین گروه‌ها را قادر می‌سازد تا در نقاط مختلف جهان عضو شوند، این امر خصوصاً برای مجموعه‌های کوچکی مانند «فمینیست‌های جوان آسیایی آئتوتاراً»^{۶۹} که روابط خود را با فمینیست‌های آسیایی در خارج از کشور حفظ می‌کردند، جالب توجه بود. سایر مصاحبه‌شوندگان به ویژه در مورد توانایی برقراری ارتباط با زنان در مناطق مختلف نیوزلند یا برقراری ارتباط مجدد با فعالانی که قبلاً از پروژه‌های گذشته می‌شناختند، بسیار خشنود بودند.

دنیای آنلاین، البته در مقایسه با «دنیای واقعی» معایبی دارد. به عنوان مثال، برخی از زنان جوان از طریق سیستم‌عامل‌های آنلاین با انتقاد شدید نسبت به عقاید یا پلتفرم‌های مورد استفاده خود مواجه شدند. به نظر می‌رسد که شخصیت بی‌واسطه و اغلب ناشناس محیط آنلاین می‌تواند بازخوردهایی شخصی و فیلتر نشده‌ای را دریافت کنند. به عنوان مثال اسلات‌واک برخی بحث‌های جنجالی را برانگیخت^{۷۰} و سازمان‌دهندگان آن به شدت مورد انتقاد قرار گرفتند، همانطور که گابریلا (۲۵ ساله) توضیح داد: «من آن انتقادات را واقعاً جدی

^{۶۹} Aotearo؛ نام مائوری برای نیوزلند است.

^{۷۰} Ellena Savage, 'Politics of Slutwalk', Eureka Street, Vol. 21, No. 10 (2011), pp. 29_30.

گرفتم و به یاد می‌آورم هفته‌ای که «آینه جیبی» پستی ارسال کرد و مردم در مورد آن نظر دادند و من فقط... می‌دانید، من در محل کار خود بودم و شروع به گریه کردم زیرا این انتقادات بیش از حد بودند.»

انتقاد شخصی و به شکل افراطی، آزار و اذیت آنلاین مسلماً موضوعاتی است که نه تنها به فعالیت آنلاین بلکه به بسیاری از جنبه‌های دنیای دیجیتال، به ویژه در میان جوانان مربوط می‌شود.^{۷۱} موراها-مارتین استدلال کرده است که زنان به ویژه به دلیل سبک‌های ارتباطی جنسیتی تحت تأثیر اتمسفر و فضای آنلاین خصمانه‌تری قرار دارند. انتقاد تندی که برخی از زنان جوان حاضر در پژوهش من به صورت آنلاین با آن روبرو شدند، برخی از آن‌ها را بر آن داشت تا در مورد مشارکت خود در فعالیت‌های فمینیستی آینده تجدیدنظر کنند.

شکاف نسلی

معایب کنشگری آنلاین که برای روابط بین نسلی فمینیست‌ها از اهمیت برخوردار است، ویژگی انحصاری‌سازی شبکه‌های اجتماعی است. ربکا (۳۴ ساله) با خلاصه کردن اصل مشکل، بیان کرد: «برخی از افراد اصلاً به طور آنلاین با دیگران ارتباط برقرار نمی‌کنند و فرصت حضور در این جریان‌ها را از دست می‌دهند و در نتیجه این بستر می‌تواند کاملاً انحصاری باشد». این ویژگی ابزارهای آنلاین توسط محققان دیگر ذکر شده است. به عنوان مثال، چمبرلین ادعا می‌کند: «فعالیت آنلاین به صورت ذاتی انحصاری است زیرا امکان دسترسی به فناوری موردنظر به عنوان پیش‌شرط وجود دارد.»^{۷۲} برای مصاحبه‌شوندگانی که در این مطالعه بودند، انحصارطلبی بیشتر به عادات ارتباط برمی‌گردد تا به فرصت‌های دسترسی. از لحاظ تئوریک، به عنوان مثال، وقتی همه کاربران به راه‌اندازی یک حساب فیس‌بوک دسترسی دارند، بنابراین در صورت انتخاب می‌توانستند شرکت کنند. با این حال، رسانه‌های اجتماعی فقط افرادی را که به طور فعال در آن حضور دارند متصل می‌کند و نمی‌تواند فراتر از محدوده خود باشد. هنگامی که یک لینک صفحه

^{۷۱} Janis Wolak, Kimberly J. Mitchell and David Finkelhor, 'Does Online Harassment Constitute Bullying? An Exploration of Online Harassment by Known Peers and Online-Only Contacts', Journal of Adolescent Health, Vol. 41, No. 6 (2007), pp. 51_58.

^{۷۲} Kristen Chamberlain, 'Redefining Cyberactivism: The Future of Online Project', Review of Communication, Vol. 3, Nos 3_4 (2004), p. 145.

فیس‌بوک برای کسی که در اجتماعات آنلاین شرکت نمی‌کند ارسال شود، بیشتر اطلاعات در فیس‌بوک تنها پس از ورود به سیستم با نام کاربری و رمز عبور قابل دسترسی است. بنابراین، افرادی که تصمیم به حضور فعال ندارند، شانس کمی برای دریافت همان اطلاعات و آگاهی از فعالیت‌هایی دارند که کاملاً به صورت آنلاین سازمان یافته‌اند. این امر، حتی ناخواسته، شبکه‌های مجازی را به یک محیط کاملاً انحصاری تبدیل کرده است.

این اجتماعات آنلاین به افراد جوان گرایش دارند. اگرچه هنگامی که برخی از کاربران جوان کارایی وبلاگ‌ها را نمی‌دانستند، برخی از کاربران سن بالاتر از توییتر و فیس‌بوک استفاده می‌کردند، اما در کل زنان در اوایل سی‌سالگی و بالاتر نسبت به کاربران جوان کمتر درگیر فعالیت آنلاین هستند. هنگامی که فعالیت‌های آنلاین زنان جوان از دید زنان مسن‌تر «پنهان» باشد، چنین شکاف نسلی می‌تواند به یک مشکل تبدیل شود. بسیاری از زنان مورد مصاحبه، این نامرئی بودن و پنهان بودگی را تأیید کردند: چندین مصاحبه‌شونده مسن از وجود فعالیت‌های زنان جوان اظهار بی‌اطلاعی کردند و نگران بودند که اگر نسل آن‌ها از مبارزات فمینیستی بازنشسته شوند، زنان جوان زیادی برای ادامه کار وجود نخواهد داشت. یا به عنوان مثال، لیلی (۵۱ ساله) مشخصاً از مشارکت کم زنان جوان در فعالیت‌هایی که خودش در آن‌ها شرکت داشت، ابراز نگرانی کرد. وی گفت: «منظورم این است که ما قبلاً کارگاه‌ها و چیزهایی از این قبیل داشتیم. آن‌ها الان کجا هستند؟» نگرانی او با سایر زنان نسل قدیمی که دیگر زنان جوان در نیوزلند نیازی به فمینیسم نمی‌بینند، مشترک بود.

بر اساس توضیحات مصاحبه‌شوندگانی که در فعالیت‌های آنلاین مشارکت می‌کنند، من استدلال می‌کنم که بسیار بیشتر از تصور زنان فمینیست قدیمی، فمینیست جوان در نیوزلند وجود دارد که به صورت آنلاین نامرئی و پنهان هستند. مشکل این نامرئی بودن این است که نه تنها کلیشه زن جوان بی‌علاقه به سیاست را تقویت می‌کند بلکه در سطح سیاسی گسترده نیز ضرر دارد، همانطور که آلیس (۲۴ ساله) بیان کرد:

به این دلیل که شما [فمینیست‌های مسن‌تر] نمی‌توانید آن‌ها [فمینیست‌های جوان تر] را ببینید، مدام می‌گویید که وجود ندارند. و گفتن این امر دلسردکننده است زیرا شما در واقع حرکت را عقب می‌رانید. می‌دانید، زنان جوان می‌نشینند و می‌گویند و «آره، من تنها هستم، چرا نباید تسلیم شوم؟»

انتقاد تند آلیس یک استدلال اساسی دارد: تکرار مکرر این امر خطاب به زنان جوان (و عموم مردم) مبنی بر اینکه در نیوزلند هیچ فمینیست جوانی وجود ندارد، ممکن است افراد علاقه‌مند به فمینیسم را سرد کند و افرادی که قصد پیوستن به جنبش فمینیستی دارند را منصرف کند. همانطور که قبلاً نشان داده شد، برخی از زنان جوان مورد مصاحبه احساس می‌کردند که به عنوان فمینیست در «دنیای واقعی» منزوی هستند. هرگونه حمایت از این تصور که فمینیسم مورد توجه زنان جوان مدرن نیست، به طور بالقوه چنین انزوایی را تقویت می‌کند.

به نظر می‌رسد فقط نسل قدیمی نیست که در برقراری ارتباط با هم‌تایان فمینیست جوان خود مشکل دارد. بسیاری از کاربران جوان ابراز ناامیدی کردند که فرصت کار با زنان مسن بسیار کم است که تا حدودی به این دلیل بود که آن‌ها نمی‌دانستند کجا آن‌ها را پیدا کنند. بتی (۳۱ ساله)، که در گذشته از کار با زنان مسن بهره برده بود، توضیح داد: «اما در واقع، حقیقتاً، من تقریباً نمی‌دانم که اکنون چطور با آن‌ها ارتباط برقرار کنم، می‌دانید. زیرا آن‌ها پیدا کردن آن‌ها به صورت آنلاین آسان نیست، زیرا احتمال آنلاین بودن آن‌ها کم است.» در همین حال، گابریلا ۲۵ ساله، در پاسخ به این سوال که آیا فکر می‌کنید نیوزلند هم‌اکنون جنبش زنان دارد، گفت: «حدس می‌زنم جنبشی وجود داشته باشد اما خیلی کوچک به نظر می‌رسد و گویا فقط افراد هم سن و سال من هستند.» این گفته نشان می‌دهد که او اطلاعات اندکی درباره چگونگی فعالیت زنان سال‌خورده فمینیست یا حتی مکان آن‌ها دارد.

البته فمینیست‌های جوان و سن بالاتر کاملاً از هم جدا نیستند. با این حال، بعضی اوقات در گفتگوهایشان درباره فعالیت آنلاین، به نظر می‌رسد که اهداف متناقضی دارند. به عنوان مثال، سوزان (۲۳ ساله) در

مصاحبه خود با موضوع کنشگران فمینیستی، دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری بسیج اصلاح قانون سقط جنین صحبت کرد، که با حضور فعالان در هر سنی انجام شد:

می‌دانید، شما دربارهٔ توییتر یا دیگر شبکه‌های مجازی حرف می‌زنید و مردم حس ناآگاهی پیدا می‌کنند. زنان مسن قطعاً احساس می‌کنند... فکر می‌کنم شما متوجه شدید، آن‌ها احساس می‌کنند که از مکالمه طرد شده‌اند. در حالی که این امری بود که برای کسانی که کارهای آنلاین انجام داده‌اند بسیار هیجان‌انگیز بود. که کل مکالمه تمایل به جوان‌گرایی دارد.

یک عضو ۲۵ ساله از «اجتماع زنان فمینیسم جوان ولینگتون» داستان مشابهی را در مورد برخورد این گروه با یک محقق زن مسن‌تر که از آن‌ها در مورد روش کارشان پرسیده بود، بیان کرد:

بسیاری از مطالبی که ما گفتیم مربوط به نحوه انجام بسیاری از کنش‌های آنلاین بود و این همان کاری است که ما انجام می‌دهیم. تقریباً مثل این بود که او این کار را آن‌قدرها هم قوی نمی‌داند و در این حالت بود که «خوب متوجه شدم که شما یک صفحه فیس‌بوک دارید اما چه کار دیگری انجام می‌دهید؟» و ما نیز در این حالت بودیم که «خوب، صفحه فیس‌بوک در واقع بزرگ‌ترین مؤلفه کاری است که ما انجام می‌دهیم.»

این دو نقل‌قول نشان می‌دهد که زنان جوان در مورد فعالیت‌های آنلاین به عنوان نوعی مشارکت سیاسی در میان زنان مسن سطح بالایی از نارضایتی را دیده‌اند. سوزان حتی برای توصیف تجربه خود از عبارت «آن‌ها احساس می‌کنند طرد شدند» استفاده کرد. نقل‌قول توسط عضو اجتماع زنان فمینیسم جوان ولینگتون همچنین نشان می‌دهد که این احساس محرومیت با درک‌های مختلفی از مشارکت سیاسی معتبر در ارتباط است. سؤال «چه کار دیگری انجام می‌دهید؟» نشان می‌دهد که هدایت یک صفحه فیس‌بوک به عنوان یک

فعالیت شوستر، که می‌تواند به عنوان هدف یک گروه فمینیستی به تنهایی باقی بماند، درک نمی‌شود، که این امر منعکس‌کننده بحث‌هایی است که قبلاً در مورد مشروعیت فعالیت آنلاین انجام شد.

نسل‌های منقطع و جداشده؟

بسیاری از کاربران جوان اظهار داشتند بیان این امر که در نیوزلند فمینیستی جوانی وجود ندارد، برای آن‌ها ناامیدکننده، دلسردکننده و ناراحت‌کننده است. همچنین، کنشگران مسن‌تر بیان کردند وجود نداشتن زنان جوانی که با فمینیسم درگیر باشند برای آن‌ها دلسردکننده، نگران‌کننده و ناامیدکننده است. در حوزه پژوهش‌های فمینیستی و علوم سیاسی بررسی عدم ارتباط بین نسلی و علل آن بسیار مهم است. دلیل استدلال مذکور این است که روابط مثبت بین نسلی درون جنبشی می‌تواند باعث افزایش جذب نیرو و رشد سازمان‌ها و پروژه‌ها شود.^{۷۳} بنابراین، بهبود روابط بین نسلی میان فمینیست‌ها نویدبخش تقویت کلی جنبش زنان است.

علاوه بر این، افزایش شواهد علمی نشان می‌دهد که کاهش شکل‌های سنتی و رسمی مشارکت سیاسی در میان جوانان نشان‌دهنده عدم علاقه به سیاست نیست، بلکه مبتنی بر تمرکز متفاوتی بر منافع آن‌ها است.^{۷۴} استفاده زنان جوان مورد مطالعه در این پژوهش از روش انحصاری رسانه‌های اجتماعی برای کارهای سیاسی، عمدی نبود - در واقع این بستر به صورت آنلاین فضایی بود که اعضای نسل آن‌ها بیشتر وقت خود را در آن می‌گذراندند. به همین ترتیب، نسل قدیمی در عصر دیجیتال رشد نکردند و مدام در شبکه‌های اجتماعی که می‌شناختند به دنبال جانشینان خود بودند. هر دو نسل در سیستم‌هایی که با آن آشنا هستند کار می‌کنند و اگرچه از نظر زمانی با هم همپوشانی دارند، اما اغلب از مجموعه روش‌ها و رویکردهای مختلفی استفاده می‌کنند. همانطور که در بحث از فعالیت آنلاین نشان دادیم، چنین تفاوت‌هایی در روش، می‌تواند نامرئی بودن کارهای فمینیست جوان را افزایش دهد.

^{۷۳} Beth E. Schneider, 'Political Generations and the Contemporary Women's Movement', *Sociological Inquiry*, Vol. 85, No. 1 (1988), p. 17.

^{۷۴} Matt Henn, Mark Weinstein and Dominic Wring, 'A Generation Apart? Youth and Political Participation in Britain Today', paper presented at the 50th Annual Conference of the Political Studies Association, London, 2000, p. 4.

البته، شکاف نسلی در میان فمینیست‌ها امری پیچیده است و این امر برای آن‌ها فراتر از این مسئله است که فقط دو نسل از آنان هستند که همدیگر را نمی‌بینند زیرا یکی آنلین است و دیگری نه. موج دوم و سوم از نظر ارزش‌ها و روش‌ها و همچنین تعاریفشان از فمینیسم متفاوت است. با این حال، دلیل این امر هم آن است که آن‌ها اهداف و ایده‌های اساسی بسیاری در مورد برابری و بهبود زندگی زنان را دارند.^{۷۵} با ذکر مثالی از یک برنامه استرالیایی برای مادران جوان، مدیسون بحث کرده است که چگونه فمینیسم بین نسلی می‌تواند موفق باشد.^{۷۶} مطالعه وی اهمیت تمرکز برنامه‌ها بر همراه بودن زنان جوان و مسن را برجسته کرده است. به همین ترتیب، بودجون پیشنهاد کرده است که فمینیسم معاصر باید از درک یک حرکت خطی که یک موج باید به دنبال موج قبلی که با موفقیت بر دستاوردهای قبلی بنا شده است، برود، دور شود.^{۷۷} به جای اینکه «دستاوردهای فمینیستی» فقط «منتقل شود»، می‌تواند «برگردانده شود».^{۷۸}

این امر تا حدودی در نیوزلند رخ داده است. در حالی که این پژوهش به برخی از تفاوت‌های نگران‌کننده بین نسل‌ها پرداخته است، اما باید تأکید کرد که بسیاری از زنان پیر و جوان وجود دارند که به خوبی همکاری می‌کنند. سازمان‌هایی (به عنوان مثال آموزش بحران تجاوز به عنف) و گروه‌های کنشگر (به عنوان مثال گروه‌های مرتبط با قانون سقط جنین) وجود دارند که به خوبی تلاش‌های زنان سنین مختلف را با هم ترکیب می‌کنند. برخی از مصاحبه‌شوندگان همچنین مصادیق توافق دو نسل در مورد مشارکت آنلین را هم ذکر کردند. به عنوان مثال الیزابت (۶۰ ساله)، در مورد حضور رسانه‌ای شورای ملی زنان نیوزلند^{۷۹}، که شهرت اصلی آن را اعضای اصلی‌تر تشکیل می‌دهند، صحبت کرد: «من برخی از اعضای جوان شعبه اوکلند را می‌شناسم، که دوست دارند به روز باشند. با استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و فن‌آوری. و من

^{۷۵} Lauren Duncan, 'Women's Relationship to Feminism: Effects of Generation and Feminist Self-Labeling', *Psychology of Women Quarterly*, Vol. 34, No. 4 (2010), p. 505.

^{۷۶} Sarah Maddison, "'A Part of Living Feminism': Intergenerational Feminism in a Working Class Area', *Journal of Interdisciplinary Gender Studies*, Vol. 8, Nos 1_2 (2004), pp. 38_54.

^{۷۷} Budgeon, *Third Wave Feminism and the Politics of Gender in Late Modernity*, p. 156.

^{۷۸} Budgeon, *Third Wave Feminism and the Politics of Gender in Late Modernity*, p. 157.

^{۷۹} NCWNZ

فکر می‌کنم سازمان ملی این کار را انجام می‌دهد و با آنان موافقت می‌کند.» در واقع، وبسایت به روز شده این سازمان، امروز پیوندهایی به صفحه فیس‌بوک، حساب توییتر و کانال یوتیوب ارائه می‌دهد.^{۸۰}

نتیجه‌گیری

دلایل مختلفی وجود دارد که باعث می‌شود فعالیت‌های فمینیست‌های جوان که غالباً به عنوان موج سوم شناخته می‌شوند، توسط عموم مردم از جمله زنان مسن که با فمینیسم درگیر هستند، دیده نمی‌شود. این مقاله به یکی از این جنبه‌ها پرداخته است. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا استفاده زنان جوان از شبکه‌های اجتماعی برای مشارکت سیاسی و فعالیت فمینیستی در چنین نامرئی بودن نقش داشته است یا خیر. بر اساس یافته‌های مصاحبه با زنانی در نیوزلند که با فمینیسم سر و کار داشتند، استدلال کردم که رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری مفید برای فعالیت‌های سیاسی زنان جوان عمل می‌کنند. زنان جوان به دلیل دسترسی آسان، هزینه‌های کم و برنامه‌های انعطاف‌پذیر، در فعالیت‌های سیاسی خود از رسانه‌های جدید مانند فیس‌بوک، توییتر یا وبلاگ استفاده می‌کنند. با این حال، از آنجا که بیشتر اطلاعات به اشتراک گذاشته شده از طریق رسانه‌های اجتماعی فقط برای افرادی در دسترس است که به طور فعال در آن ثبت‌نام می‌کنند، فعالیت آنلاین ناخواسته، افرادی را که در جوامع آنلاین درگیر نیستند، طرد می‌کند. در میان مصاحبه‌شوندگان، این گروه اخیر بیشتر زنان مسن بودند. آن‌ها اغلب از بسیاری از فعالیت‌های فمینیستی که زنان جوان‌تر انجام می‌دادند اطلاعی نداشتند و از این رو از عدم تعهد فمینیستی در میان زنان جوان در نیوزلند ناامید بودند. همچنین، تمرکز شدید برخی از زنان جوان در مشارکت آنلاین منجر به عدم آگاهی آن‌ها از فعالیت‌ها و کارهای زنان مسن می‌شد. در نتیجه، به نظر می‌رسد که شکاف نسلی بین فمینیست‌ها در نیوزلند با روش‌های مخصوص سنی برای برقراری ارتباط و سازمان‌دهی رویدادها سرعت گرفته است.

گرچه ادبیات مربوط به فراگیر شدن فمینیسم موج سوم ممکن است حاکی از این باشد که فمینیست‌های جوان علیه خصلت استثنایی کنش‌گرایی آنلاین فعالیت می‌کنند، اما به نظر نمی‌رسد این مورد در بین

^{۸۰} The National Council of Women of New Zealand, available at: www.ncwnz.org.nz/.

کاربران وجود داشته باشد. با این حال، همانطور که نمونه شورای ملی زنان نیوزلند نشان داده شد، دلیل برای خوشبینی وجود دارد که اختلافات و مشکلات ناشی از استفاده از رسانه‌های اجتماعی در آینده کاهش یابد. علاوه بر این، بسیاری از فعالان جوان فقط در بیست‌سالگی بودند و فقط چند سال بود که به طور فعال با فمینیسم درگیر بودند. در چنین سنین جوانی نمی‌توان انتظار داشت راهی برای شرکت در فمینیسم بی‌عیب، قدرتمند و قابل مشاهده پیدا کنند. اما آن‌ها دریافته‌اند که فعالیت آنلاین برخی از همراهان فمینیست مسن آن‌ها را بیگانه می‌کند، همین امر نقطه شروع خوبی برای پیشبرد روابط بین نسلی است. در عین حال، افزایش سواد دیجیتال در بین نسل‌ها احتمالاً درک بین فمینیست‌ها از هر سنی را در مورد میزان مفید بودن فعالیت آنلاین برای کارهای فمینیستی تغییر خواهد داد. تحقیقات می‌تواند بینش عمیق‌تری در مورد تأثیر فعالیت آنلاین در جنبش زنان، به عنوان مثال با تلفیق چشم‌انداز «موج میانه» و بررسی شکاف دیجیتالی (نه تنها منعکس‌کننده سن بلکه شکاف‌های روستایی/شهری، قومی و طبقاتی) یا مسائل آزار و اذیت آنلاین در رابطه با فعالیت فمینیستی ارائه دهد. امید است که این تحولات باعث افزایش دیده شدن مشارکت سیاسی زنان جوان و گسترش حضور فمینیسم معاصر در نیوزلند و سایر مناطق جهان شود.

پانویس نویسنده:

نسخه قبلی این مقاله در پانل ویژه کنفرانس انجمن مطالعات سیاسی نیوزلند ۲۰۱۲ ارائه شده است: «زنان در زندگی عمومی کجا هستند؟»، ۲۸-۲۶ نوامبر، ولینگتون.

بیوگرافی نویسنده

جولیا شوستر مدرک جامعه‌شناسی را از دانشگاه وین در اتریش دریافت کرد و به عنوان دستیار تحقیق در آکادمی علوم اتریش کار کرده است. در سال ۲۰۱۰ وی به عنوان کاندیدای دکترا به گروه جامعه‌شناسی در دانشگاه اوکلند پیوست و در حال کار بر روی پایان‌نامه خود است که جنبش زنان معاصر در نیوزلند را بررسی می‌کند. حوزه‌های تحقیقاتی وی شامل فعالیت‌های فمینیستی، تقاطع و جنبش‌های اجتماعی است.

^۱ احتمال پاسخ‌های چندگانه وجود دارد.

^۲ من در مورد هویت جنسی آنها نپرسیدم، اما بیشتر زنان در طول مصاحبه به آن اشاره کردند.

^۳ شامل نژاد اروپایی نیوزلندی، استرالیایی، چندرگه اروپایی و آمریکای شمالی است.

^۴ شامل نژاد چینی، فیلیپینی، اندونزیایی، مالایی، سنگاپوری، سریلانکایی و ویتنامی است.
